**نقد و تحليل**

**بر اساس روايت هاليودي نبرد ترموپيل ، ايرانيان متمدن همچون غولان و اهريمنان تجسم شده‌اند. در اين فيلم ، ارتش امپراتوري ايران به فرماندهي‌خشايار شاه، چونان ارتشي از شياطين تصوير شده و چهره برخي ازشخصيت‌هاي ايراني فيلم، شباهتي به چهره يك انسان ندارد و بيشتر شبيه شخصيت هاي خونخوار فيلم‌هاي علمي - تخيلي است.**

**بحث درباره فيلم ضد ايراني300 (سیصد) همچنان در محافل سياسي ، فرهنگي و سينمايي ايران داغ است. اين فيلم كه محصول شركت برادران وارنر است و اشنايدر آن را كارگرداني كرده است، به داستان جنگ ايران و يونان در ترموپيل ـ گردنه‌اي در يونان ـ بر مبناي روايت هردوت مي‌پردازد.**

**بر اساس روايت هاليودي نبرد ترموپيل ، ايرانيان متمدن همچون غولان و اهريمنان تجسم شده‌اند. در اين فيلم ، ارتش امپراتوري ايران به فرماندهي‌خشايار شاه، چونان ارتشي از شياطين تصوير شده و چهره برخي ازشخصيت‌هاي ايراني فيلم، شباهتي به چهره يك انسان ندارد و بيشتر شبيه شخصيت هاي خونخوار فيلم‌هاي علمي - تخيلي است. فيلم سیصد همچنين ايرانيان را افرادي وحشي، نادان، خونريز و غير متمدن و در مقابل يونانيان را افرادي غيور و دلاور معرفي مي‌كند. به روايت اين فيلم ، 300 نفر سه روز در برابر سپاه عظيم ايران مقاومت كردند و در همين سه روز يونانيان عليه ايرانيان متحد شدند و بدين ترتيب زمينه براي شكست لشكر ايران و برپايي دموكراسي فراهم شد.**

**اگر چه كمپاني برادران وارنر در پاسخ به اعتراضات گسترده عليه نوع نگرش فيلم به ايرانيان باستان ، از تعبير " داستان تخيلي و افسانه‌اي" براي توجيه روايت سياسي و غير واقعي اين فيلم استفاده كرد، ولي در نگاه اول به اين فيلم ، پرسش‌ها و پيش‌فرض‌هايي به ذهن مي‌رسد كه تامل در آنها از جنگ فرهنگي و رسانه‌اي هدفمندي حكايت مي‌كند كه نگاه تخصصي به آنها بخشي از زواياي پنهان و پشت پرده اين فيلم را آشكار مي‌سازد. در اين ميان شايد بتوان گفت كه فضاي غالب در بررسي و نقد فيلم 300 بر مبناي اين پيش فرض استوار است؛ "هاليوود با ترسيم فضايي واژگونه و ساختگي از فرهنگ و تمدن ايراني در امتداد سياست‌هاي ضد ايراني محافل نومحافظه‌كار آمريكا حركت مي‌كند."**

**فيلم"300" داستان جنگ سيصدتن از سربازان اسپارت را به تصوير مي‌كشد كه در مقابل صدها هزار جنگجوي ايراني به مقاومتي سخت مي‌پردازند و در پايان نيز به جنگجويان هميشه پيروز خشايارشاه غلبه مي‌كنند و به اين ترتيب امپراتوري عظيم پارسي را در مقابل خود به زانو در مي‌آورند.**

**اين فيلم به عقيده بسياري از منتقدان سينما بيشتر به يك " بازي كامپيوتري سراسر خونبار" شباهت دارد تا روايت يك حادثه تاريخي.**

**استفاده از نرم‌افزارهاي گرافيكي در اين فيلم به حدي بالاست كه بيننده به اين نتيجه مي‌رسد كه سازندگان قصد توليد يك بازي سرگرم كننده و مهيج را داشته‌اند و شايد هرگز چنين واقعه‌اي در تاريخ رخ نداده‌ است – كه مسلماً نيز همين طور است.**

**"زاك سيندر" كارگردان فيلم بيش از هر فيلم ديگري شخصيت‌هاي داستان را بزرگ و وحشي معرفي كرده است.**

**"300" قصد به تصوير كشيدن جنگ ترموپيل ميان پادشاه لئونيداس و خشايارشاه در سال 480 قبل از ميلاد را دارد، اما در حقيقت بجز اسامي استفاده شده درفيلم ، بقيه صحنه‌ها داستاني تخيلي است كه حتي كودكان را نيز به خنده وا مي‌دارد.**

**با نگاه به تاريخ مكتوب ايرانيان، يونانيان و آثار مورخان بزرگ جهان به اين نكته مي‌رسيم كه ايرانيان و سربازان خشايارشاه و حتي امپراتوري‌هاي باستاني پارسي نه هيچگاه به اين سبك لباس مي‌پوشيدند و نه حلقه در گوش خود مي‌انداختند. جالب اينجاست كه ايرانيان در جنگ ترموپيل هرگز از جوشن و فلاخن استفاده نكردند و هيچ گواهي در تاريخ وجود ندارد كه نشان دهد ايرانيان در جنگ‌هايشان به طريقه بدوي و وحشيانه عمل مي‌كردند.**

**گويا سازندگان فيلم از ياد برده‌اند كه منشور سازمان ملل برپايه عدل ايرانيان نهاده شده و بسياري از قوانين جنگ‌ها و رفتار با اسرا از قوانين باستاني ايرانيان نشأت گرفته است.**

**"300" نه تنها از سوي تاريخ‌نگاران و فرهنگ‌شناسان مشرق زمين مورد انتقاد قرار گرفته، بلكه مردم آمريكا را نيز متعجب كرده است،‌به طوري كه يكي از حقوقدانان آمريكايي در اين زمينه مي‌گويد:"اين فيلم تخيلي بيشتر تاريخ جهان را به سخره گرفته است تا روايت يك حادثه مهم تاريخي باشد و بايد اذعان كرد كه نه تنها بيش از 95 درصد سياستمداران آمريكايي از ايران، فرهنگ و تمدن كهن پارسي و مردم اين كشور بي‌خبرند، بلكه برخي از فيلمسازان و نويسندگان آمريكايي نيز در اين زمينه در جهلي خودآگاه به سر مي‌برند و اين ضعفي شديد براي دولت آمريكاست."**

**سرزمين باستاني ايران با پايه‌هاي قوي تمدن و كشوري كه در آن حقوق اجتماعي رعايت مي‌شده است، در اين اثر به عنوان مظهر ديكتاتوري و توحش معرفي مي‌شود و اسپارت‌ها به عنوان فرشتگان برقراري صلح، امنيت و دموكراسي بر گستره تاريخ تيره و تار آن پرواز مي‌كنند!**

**توطئه و ترفند دولت آمريكا تنها فرهنگ و تمدن عصر حاضر را نشانه نگرفته، بلكه دست به سوي گنجينه‌اي گرانبها برده است كه نه به تعبير ايرانيان بلكه به گواه و شهادت تاريخ‌نگاران باستاني و مدارك مستدل تاريخي، غيرقابل انكارترين شكوه باستاني را به نمايش مي‌گذارد.**

**منتقدان سينماي يونان بعد از اكران اين فيلم در يونان آن را بسيار كم ارزش دانستند و روزنامه يوناني "تانيا"در مقاله‌اي نوشت: امتياز "300" ، 0 از 10 است و اين اثر يك فيلم كاملاً آمريكايي با ديدگاه‌هاي سراسر مغرضانه در مورد ايران است كه متاسفانه تبعات آن دامن تاريخ يونان را هم گرفته است.**

**به اعتقاد روشنفكران يوناني اين نه تنها افقي از تاريخ را به روي مردم نمي گشايد، بلكه لكه ننگي بر دامن تاريخ‌نگاران جهان به جاي گذاشته است.**

**"رابي اكسيل" منتقد سينماي يونان معتقد است شكوه و اعتبار هر دو كشور با اين فيلم زير سوال رفته و سربازان اين فيلم شباهتي به سربازان باستاني دو ملت ندارند، اما به خوبي نيروهاي آمريكايي در عراق و ويتنام را تداعي مي‌كنند.**

**وي مي‌گويد: بايد هرچه سريعتر به مقابله با هاليوود برخاست، زيرا فيلم‌هاي قبلي همچون "تروا" اثر "ولفگانگ پيترسون" و "اسكندر" ساخته " اوليور استون" به اندازه كافي تاريخ يونان را زير سوال برده است و اكنون "300" به عنوان مجعول‌ترين اثر سينمايي اوضاع را خرابتر كرده است.**

**به نظر مي‌رسد هاليوود دست به اقداماتي كاملاً برنامه‌ريزي شده زده است. ساخت فيلم‌هاي قبلي در مورد تاريخ ايران و يونان خصوصاً "اسكندر" و برخورد ملايم ملت ايران و يونان با آن، جسارت هاليوود را افزايش داد و به خلق اين اثر تخيلي موهن انجاميد.**

**CNN،"سيصد "را فيلمي خسته‌كننده و بيش از حد گزافه‌گو معرفي كرده است كه بوي كهنگي و فضاي ساختگي آن بينندگان را از ديدن فيلم‌هاي تاريخي پشيمان مي‌كند.منتقدان CNN معتقدند: اين فيلم مي‌توانست بازي كاميپوتري مهيجي شود!**

**انتقاد ایرانیان به فیلم سیصد از آن جهت است که روایت تاریخی ارائه شده در فیلم با واقعیت تاریخی انطباق ندارد و رمان فرنک میلر بیش از آن‌ که یک داستان تاریخی باشد، رمانی تخیلی است.**

**فیلم سیصد از بعضی از جهات بسیار نژادپرستانه به نظر می‌رسد. در این فیلم اسپارت‌ها نماد سفیدپوستان اروپایی هستند که به آزادی و دموکراسی و حقوق شهروندی و وطن‌پرستی و جنگ‌آوری معتقدند. آنها زن‌ها را محترم می‌شمارند و به خانواده احترام می‌گذارند. تصویر ارائه شده از یک خانواده اسپارت در فیلم سیصد با تصویر معیار یک خانواده آمریکایی در قرن بیست‌ویکم برابری می‌کند.**

**در سوی دیگر میدان، پارس‌ها هستند. آنها از قومیت‌ها و نژادهای مختلف تشکیل شده‌اند. افراد پلید و بد در میان آنها یا سیاه‌پوست هستند یا چهره خاوردوری دارند. سربازان پارسی و شاه پارس به طلا و جواهرات علاقه‌مند هستند و تمام صورت و بدن خود را با حلقه‌ها و زیورآلات تزئین کرده‌اند.**

**در میان سپاه ایران، افراد معلول و هم‌جنس‌باز به وفور دیده می‌شود و انگار این سپاه محلی است برای جمع‌شدن اقلیت‌های اجتماعی به ویژه آنهایی که در جامعه آمریکا سال‌هاست مورد تبعیض قرار گرفته‌اند. فیلم از این اقلیت‌ها چهره‌ای پلید نشان می‌دهد.**

**با این وجود، بیننده آگاه در هیچ‌کجای فیلم تصور نمی‌کند که با یک جریان تاریخی روبروست. این فیلم حتی به گفته کارگردانش یک روایت تاریخی نیست بلکه یک فیلم سمبلیک و تجاری است که در آن عده‌ای قوی و خوب به مصاف گروهی پلید و بی‌بنیان می‌روند و در پایان نیز گروه اول با افتخار جان خود را فدای هدف خود می‌کنند.**

**عده‌ای از روزنامه‌نگاران این فیلم را با نبرد حال حاضر آمریکا در جهان مقایسه کرده‌اند و گروهی از آنان خشایارشا را نماد جورج بوش(اوباما) و ارتش ایران را نماد ارتش آمریکا می‌دانند که اکنون در سراشیبی انحطاط قرار گرفته است. جالب آنکه گروهی دیگر نظری کاملا متفاوت دارند و معتقدند پادشاه اسپارت، لئونیداس، نماد جورج بوش است و ارتش ایران، تروریست‌هایی هستند که آمریکا جوانمردانه در حال مبارزه با آنهاست.**

**نکته‌ای که این فیلم را جنجالی‌تر می‌کند اینست که بودجه این فیلم تماما از طرف دولت آمریکا تامین شده است. این در حالی است که غالبا فیلم‌های هالیوود با سرمایه‌های خصوصی ساخته می‌شوند و نه دولتی.**

**در این فیلم از صدای اعظم علی، موسیقی‌دان ایرانی مقیم آمریکا، در ساخت قسمت‌هایی از موسیقی فیلم استفاده شده است.**

**داستان فیلم، روایتی است از سیصد جنگ‌آور اسپارت که همگی تنومند، خوش‌صورت و سفیدپوست هستند و چهره‌هایی کاملا اروپایی دارند. آنها با رشادت و جوانمردی و با بهره‌گیری از آموزش‌های نظامی و گروهی بدون هرگونه امکاناتی به جز سپر، نیزه و شمشیر در برابر سپاهی عظیم ایستادگی می‌کنند. سپاه دشمن که پارسی (Persian) نامیده می‌شود، از سربازان و بردگان صد ملت تشکیل شده است.**

**سربازان عادی‌ لباس‌های سفید شبیه به اعراب بر تن دارند و با کلاه و دستار، سر و صورت خود را پوشانده‌اند. این سربازان بسیار ضعیف و بی‌عرضه ترسیم شده‌اند و در طی فیلم حتی یک سرباز اسپارت به دست این گروه از سربازان کشته نمی‌شود.**

**گروه دیگری از ارتش پارس را سربازان سیاه‌پوش (جاوید) تشکیل می‌دهند که ماسک‌های فلزی طلایی‌رنگ بر صورت دارند و چشم و دهان آنها در این ماسک‌ها خالی است. چهره ماسک‌ها ترسناک ترسیم شده و این سربازان بیشتر نماد شیطان به نظر می‌آیند. آنها در فیلم محافظان و سربازان ویژه خشایارشا هستند که آموزش‌های ویژه نظامی دیده‌اند و بسیار ورزیده‌اند. چهره این گروه به جنگجویان چینی و سامورایی شبیه است. آنها دو شمشیر دارند که به صورت ضربدری در پشت خود قرار داده‌اند. طریق قرار گرفتن و استفاده کردن شمشیر توسط این سربازان بیننده را به یاد لاک‌پشت‌های نینجا می‌اندازد. این گروه با وجود ورزیدگی خود از مقابله با سربازان اسپارت عاجزند و در چند روز نبرد تنها موفق می‌شوند یکی دو نفر از گروه مقابل را از پای درآورند.**

**سپاه ایران به انواع و اقسام وسایل و امکانات عجیب و غریب مجهز است. از کرگدن‌های غول‌آسا گرفته تا دیو و حیوانات اسطوره‌ای و تمام این امکانات در برابر اسپارت‌ها به درد نخور به نظر می‌رسد، سربازان اسپارت در هر نبردی با موفقیت کامل و بدون دادن هرگونه تلفاتی پارس‌ها را از پای در می‌آورند.**

**تا اینکه سرانجام یک روستایی اسپارت که از معلولیت رنج می‌برد و به او اجازه شرکت جستن در ارتش اسپارت را نداده‌اند به نزد خشایارشا می‌رود و راه دور زدن و محاصره اسپارت‌ها را به شاه ایران می‌گوید و این اقدام سرانجام منجر به محاصره اسپارت‌ها و شکست آنها می‌شود.**

**جلوه های مورد اعتراض : سپاهیان ایرانی در این فیلم افرادی با چهره های سیاه ، خونخوار و وحشی هستند که جز جنگ و خون ریزی و کشتار چیزی توی عقلشون جایی ندارد . اینها مشابه وحشی ها و موجودات نفرت انگیز ارباب حقه ها یعنی اورک ها ، کسانی که جز کشتن نمی دانند و از نظر مغزی هم موجوداتی هستند در ردیف غولهای ابله داستان های هری پاتر که در برابر ۳۰۰ نفر یونانی خوش تیپ و فداکار زمین گیر می شوند .**

**توهین هایی هم به ایرانیان شده از جمله تمایل زنان ایرانی به همجنس گرایی ، بی نظم و برنامه بودن ایرانیان ، نشان دادن چهره خشایار شاه به صورت یک برده سیاه و با لباس های نا معقول .**

**یک متن در این فیلم قابل توجه است :**

**لئونیداس سربازان خود را با نطق هایی حماسی و با تکیه بر مفاهیمی چون آزادی و شرف و نیز اینکه آنان در تاریخ به عنوان کسانی که علیه استبداد و نوع خاصی از بنیاد گرایی مبارزه کرده اند جاودانه خواهند شد ، تهیج و دعوت به مبارزه می کند ، مردان او نیز در برابر این سخنان حماسی با مشتهای گره کرده احساسات خود را با فریادهای غریب و بی معنایی به معنی حمایت از او بروز می دهند . اما همین لئونیداس مدافع آزادی و شرف و انسانیت فرستاده خشایار شاه را به درون چاهی در مرکز شهر پرتاب کرده و در مقابل فریادهای فرستاده که می گوید این جنون است این جنایت است می گوید ، این است اسپارت به این ترتیب اگر قانون اسپارت یعنی خواست لئونیداس دیگر صحبت از مبارزه با استبداد و مبارزه برای احقاق آزادیچه معنی می تواند داشته باشد ؟**

**جنگ میان ارتش صدها هزار نفری خشایار و ارتش ۳۰۰ نفری لئونیداس یاد آور جنگ تمدن هاست که بین غرب متمدن و پایبند به اصول انسانی و شرق عقب مانده ، پر شمار و بنا به گفته لئواشتراوس پدر فکری نو محافظه کاران شرق وحشی تا به امروز ادامه دارد .**

**هیچ تمدنی از بیرون نابود نمی گردد مگر اینکه از درون نابود شده باشد: ویل دورانت. یک فیلم آن هم به شکل تخیلی و گیشه ای به تاریخ ما صدمه ای وارد نمی کند!**

**چند نکته که در اين فيلم در مقابل هم نشان داده شده اند را ذکر مي کنم:**

**در اين فيلم داستان جنگ سالامين به گونه اي ترسيم شده است كه به شكست كامل ايرانيان منجر شده است در حاليكه ايرانيان در خشكي به پيروزي كامل رسيدند و شكست دريايي آنها نيز عمدتاً به دليل وضعيت نامناسب خليج سالامين و تنگي فضا براي حركت كشتي هاي بزرگ ايراني بود كه موجب شد آنها نتوانند به مقابله با كشتي هاي يوناني پردازندو حتي برخي از كشتي هاي ايراني پيش از ورود به كارزار در اثر برخورد با يكديگر غرق شدند. علاوه بر آن در آن دوره ايرانيها مردماني دريانورد نبودند و ناوگان آنها از كشتي هاي گوناگون ملل مختلف همچون فينيقي ها، مصري ها و يوناني هاي آسياي صغير تشكيل مي شد و از نظر جنگي فاقد وحدت كامل بودند. بر خلاف يوناني ها كه ملتي دريانورد و استاد اين بودند و راههاي دريايي را خوب مي شناختند. علاوه بر آن بخش قابل توجهي از لشكريان ايراني فاقد اسلحه سنگيني بودند و در مقابله با يوناني هاي غرق در فلز و كلاهخود نتوانستند آنچنان كه بايد مهارت خود را در تيراندازي و جنگ و گريز به نمايش گذارند. علاوه بر آن ايرانيان عمدتاً در دشتهاي پهناور و هموار آسيا جنگ كرده بودند و سواره نظام ايران نتوانست در كشور كوهستاني يونان و گذرگاههاي تنگ و باريك آن كمك مؤثري به پياده نظام خود بنمايد. لذا در ابتداي جنگ با يونانيان در تنگه ترموپيل پياده نظام ايراني تلفات نسبتاً سنگيني را متحمل گشت.**

**در نبرد ترموپيل سعي شده است شمار سپاهيان ايراني كه به خاك و خود غلطيندند بسيار سنگين نشان داده شود در حاليكه بجز در ابتداي نبرد كه بدليل تنگي فوق العاده تنگه صدها تن از ايرانيان (كمتر از يك هزار نفر) به قتل رسيدند ولي پس از دور زدن تنگه ترموپيل اين يونانيان بودند كه با تلفات بسيار سنگيني مواجه شدند و صرفنظر از گروه زيادي كه عاجزانه از مقابل سپاهيان ايراني گريختند ساير افراد يوناني باقيمانده تا آخرين نفر به قتل رسيدند.**

**در اين فيلم شجاعت لئونيدلس و ياران وي بيش از حد ممكن بزرگ نمايي شده و به عنوان حماسه اي ابدي به تصوير كشيده شده است. در حاليكه بر طبق قوانين دولت شهر اسپارت آنان موظف بودند در جنگ با دشمنان خود هيچ گاه ميدان را خالي نكنند و فرار از جنگ سخت ممنوع بود. در تواريخ يوناني گفته شده است كه مادران اسپارتي زمانيكه پسران خود را در آغاز جنگها مشايعت مي‌كردند به آنها مي گفتند «فرزند – با سپر با بر سپر» يعني يا فتح كن و با سپر خود پيروزمندانه بازگرد و يا كشته شو تا جنازه ات را بر روي سپر و با احترام به خانه آورند. از اين جهت نمي توان گفت تا پيش از اين جنگ هيچ گاه يوناني ها تا آخرين نفس به جنگ نپرداخته بودند و واقعه نبرد ترموپيل در تاريخ يونان امري استثنايي و منحصر بفرد محسوب نمي شود. در مقابل آن ايرانيان نيز بارها رشادت و شجاعت خود را در جنگ با يونانيان به نمايش گذاشتند به گونه اي كه سپاهيان پارسي و مادي در آن عهد سرآمد جنگاوران زمان خود محسوب مي شدند و تنها حماسه آريو برزن و ياران او كه در كوههاي كهكيلويه راه را بر سپاهيان اسكندر مقدوني بسته و تا پاي جان ايستادند از حماسه هاي جاودان تاريخ ايران است.**

**گزاف گويي مورخان يوناني در ميليوني نشان دادن شمار سپاهيان ايراني كه در فيلم سيصد نيز بر آن تأكيد شده است كاملاً مردود شمرده مي‌شود . در كتب مورخان يوناني علاوه بر پارسي ها و مادي ها، كاسيها، هيركانيان، آسوريان، باختري ها، اعراب، آريايي ها، پارتي ها، سكاها، هندي ها و حبشي ها با سلاحهاي خاص خود در جنگ سالامين شركت داشته اند.**

**در فيلم سيصد ايرانيان افرادي كريه المنظر، سيه روي، زشت و ترسو ترسيم شده اند كه همچون انسانهايي غول نما فاقد قدرت تدبير و تعقل بوده اند. در كنار آن هم خشايار شا فردي زن گونه با آرايش غليظ و زيور آلات گوناگون نشان داده شده است كه بي بهره از هر گونه عظمت و شوكتي بوده است. در اين ارتباط بايد گفت اصولاً ايرانياني كه از نژاد آرايي بوده اند مردان و زناني بلند بالا و خوش قامت به شمار مي آمدند كه اين امر در مورد پارسيان و مادها كه داراي موهاي روشن و چشمان سبز و آبي بوده اند كاملاً متمايز بوده است. در كتيبه هاي هخامنشي در شوش و تخت جمشيد نيز علاوه بر شاهان، ايرانيان انسانيهايي خوش سيما با پوشاك مناسب ترسيم شده اند و در آن عهد زنان ايراني از جهت نجابت و زيبايي و مردان ايراني از بابت شجاعت و جنگاوري سرآمد عصر خود محسوب مي شده اند.**

**در فيلم سيصد ايرانيان افرادي فاقد آزاد انديشي دانسته شده اند كه جملگي تحت امر كامل پادشاه بوده و حتي فرماندهان عالي آنها اجازه اظهار نظري در مقابل پادشاه نداشته‌اند. علاوه بر آن ايران زمين سرزميني عاري از فرهنگ و تمدن دانسته شده است كه مردمان آن در وحشي‌گري و بربريت كامل بسر مي برده اند. در مقابل يونان سرزمين دموكراسي و اخلاق والا و صفات عالي انسان دوستانه معرفي شده است.**

**.::. پارسیان دژ .::.** [**Parsiandej.ir**](http://www.parsiandej.ir/)

**منبع :**

**http://www.osyan.net**